یادداشت

حکمرانی خوب؟

حسین‌لیوانی

اخیرا واژه های حکمرانی و حکمرانی خوب به صورت وسیعی در ادبیات توسعه استفاده می شود. حکمرانی بد به طور فزاینده ای به عنوان یکی از عوامل ریشه ی همه شرها در درون جوامع مطرح شده است. حامیان اصلی و موسسات مالی بین المللی کمک ها و وام هایشان را بر مبنایی قرار می دهند که مطمئن شوند آن مناطق اصلاحات مورد نظر آنها را برای ایجاد حکمرانی خوب انجام داده باشند. این مقاله سعی می کند در حد امکان و به زبان ساده «حکمرانی» و «حکمرانی خوب» را توضیح دهد.

حکمرانی

حکمرانی مفهوم جدیدی نیست. قدمتی به اندازه تمدن بشریت دارد. به بیان ساده حکمرانی یعنی: فرآیند تصمیم گیری و فرآیندی که بوسیله آن تصمیمات اجرا می شوند (یا نمی شوند). حکمرانی می تواند در ابعاد مختلفی مانند حکمرانی متحد، حکمرانی بین المللی، حکمرانی ملی و حکمرانی محلی استفاده شود. از آنجاییکه حکمرانی فرآیند تصمیم گیری و فرآیندی است که در آن تصمیمات اجرا می شوند، یک تحلیل از حکمرانی بر بازیگران رسمی و غیررسمی تمرکز می کند که در تصمیم گیری دخالت دارند و تصمیمات گرفته شده را اجرا می کنند و ساختارهای رسمی و غیررسمی که در مکان های درست قرار داده شده اند که تصمیمات را اجرا نمایند.

دولت یکی از بازیگران حکمرانی است. سایر بازیگران درگیر در حکمرانی بسته به سطح دولتی که تحت مطالعه و بحث است متفاوت است. برای مثال در مناطق روستایی، سایر بازیگران ممکن است شامل زمینداران بانفوذ، انجمن های کشاورزان روستایی، تعاونی ها، سازمان های غیردولتی (ان جی او)، موسسات تحقیقاتی، رهبران مذهبی، موسسات مالی احزاب سیاسی، نظامی و ... باشند. این وضعیت در مناطق شهری بسیار پیچیده تر است. در سطح ملی ممکن است، علاوه بر بازیگران فوق، رسانه ها، لابی ها، حامیان بین المللی، شرکت های چندملیتی و ... نیز در تصمیم گیری یا تاثیرگذاری بر فرآیند تصمیم گیری، نقشی را بازی کنند.کلیه بازیگران دیگر اعم از دولت و ارتش با هم به عنوان بخشی از «جامعه مدنی» گروه بندی می شوند. در برخی از کشورها، علاوه بر جامعه مدنی، سندیکاهای جرایم سازمان یافته نیز بر تصمیم گیری به ویژه در مناطق شهری و سطح ملی تاثیر می گذارند. به طور مشابه و به یک معنا، ساختارهای رسمی دولت نیز وسیله ای است که تصمیمات در آن اتخاذ و اجرا می شوند.

در سطح ملی ممکن است ساختارهای غیررسمی تصمیم گیری مانند مشاوران غیررسمی وجود داشته باشند. در مناطق شهری ممکن است سندیکاهای جرایم سازمان یافته مانند «مافیای زمین» تصمیم گیری را تحت تاثیر قرار دهد. در برخی از مناطق روستایی ممکن است خانواده های قدرتمند محلی تصمیم گیری کنند یا آن را تحت تاثیر قرار دهند.اغلب اوقات چنین تصمیم گیری غیررسمی در نتیجه شیوه های فاسد است یا منجر به شیوه¬های فاسد می شود.

حکمرانی‌خوب

کمرانی خوب ۸ ویژگی اصلی دارد. مشارکتی، اجماع گرا، پاسخگویی، شفافیت، مسئولیت پذیر، اثربخش و کارا، عادلانه و فراگیر و از حاکمیت قانون پیروی می کند. این مولفه ها تضمین می کنند که فساد به حداقل برسد، دیدگاه های اقلیت به حساب می آیند و صدای آسیب پذیرترین اقشار جامعه در تصمیم–گیری شنیده می شود. این مولفه ها به نیازهای حال و آینده جامعه هم پاسخگوست.

مشارکت

مشارکت همه مردان و زنان کلید سنگ بنای یک حکمرانی خوب است. مشارکت می تواند مستقیم یا از طریق موسسات واسطه یا نمایندگان مشروع صورت گیرد. مهم است که اشاره کنیم، دموکراسی از طریق نمایندگی لزوما به معنای توجه به نگرانی های جامعه آسیب پذیر در تصمیم گیری نیست. مشارکت نیازمند آگاهی و سازمان یافتگی است. که از یک سو به معنای آزادی اجتماعات و آزادی بیان و از سوی دیگر به معنای جامعه مدنی سازمان یافته است.

نقش قانون

حکمرانی خوب به چارچوب های قانونی عادلانه نیاز دارد که منصفانه و بی طرفانه نیز اجرا شوند. همچنین مستلزم محافظت کامل از حقوق بشر مخصوصا از حقوق اقلیت هاست. اجرای بی طرفانه قوانین نیازمند قوه قضائیه ای مستقل و یک نیروی پلیس بی طرف و سالم است.

نتیجه گیری

از بحث بالا روشن است که حکمرانی خوب، یک ایده است که به طور کلی دست یابی به آن نیز دشوار است. مجموعا تعداد اندکی از کشورها و جوامع به دستیابی حکمرانی خوب در کلیت آن نزدیک شده اند. با وجود این، برای اطمینان از توسعه پایدار انسانی باید اقدامات لازم برای تحقق حکمرانی ایده آل با هدف تبدیل آن به یک واقعیت انجام شود.

۵۰ جشنواره فرهنگ و اقتصاد در روستاهای گلستان برگزار می شود

مدیرکل دفتر امور روستایی و شوراهای استانداری گلستان از برگزاری بالغ بر ۵۰ جشنواره فرهنگ و اقتصاد در روستاهای استان خبر داد. به گزارش مهر، علی نصیبی در دومین جلسه هماهنگی برگزاری جشنواره های فرهنگ و اقتصاد در روستاهای گلستان اظهار کرد: برگزاری این جشنواره ها از سالیان گذشته آغاز شده و اکنون به صورت نظام مند درآمده و در تقویم فرهنگی استان ثبت شده است. نصیبی افزود: در سال ۹۵ معاونت توسعه روستایی نهاد ریاست جمهوری از این جشنواره ها به عنوان سوغات فرهنگی استان گلستان نام برده و به عنوان الگو به سایر استان ها پیشنهاد کرده است.وی بابیان اینکه تعداد جشنواره بر اساس استقبال روستاها از ۳۰ به ۵۰ افزایش پیدا کرده است، خاطرنشان کرد: این جشنواره ها از یکم بهمن ماه آغاز شده و تا اواخر فروردین سال ۹۶ ادامه خواهد داشت. به گفته وی، تاکنون هشت جشنواره برگزار شده و سه جشنواره از سیمای گلستان پخش تلویزیونی داشته است. مدیرکل دفتر امور روستایی و شوراهای استانداری گلستان به اهداف جشنواره های فرهنگ و اقتصاد روستایی اشاره کرد و گفت: ایجاد شور و نشاط عمومی در روستاها، حفظ و احیای میراث معنوی ریشه دار روستاها، افزایش همدلی و همگرایی در بین روستائیان و معرفی توانمندی های اقتصادی روستاهای استان از جمله مهمترین اهداف این جشنواره ها است. نصیبی به ذکر برنامه های این جشنواره ها پرداخت و بیان کرد: برگزاری برنامه ها و مسابقات متناسب با سنت ها و عرف روستاها، بازنمایش آداب و سنن مثبت، اجرای موسیقی محلی، اجرای برنامه های آئینی، معرفی شیوه های سنتی زندگی روستائیان، تجلیل از چهره های موفق و خانواده شهدا و ایثارگران و نمایش توانمندی ها و ظرفیت های اقتصادی روستاها جزو مهمترین برنامه ها هستند. به گفته وی، شیوه نامه برگزاری جشنواره فرهنگ و اقتصاد روستاهای گلستان در پنج صفحه تدوین شده و در اختیار دهیاری و شورای اسلامی روستاهای استان قرار گرفته است.

ریزگردها از حد مجاز عبور نکرده است

مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری گلستان با بیان اینکه ریزگردها در گلستان از حد مجاز عبور نکرده است از توزیع ۷۰۰ هزار نهال در هفته منابع طبیعی خبر داد.به گزارش مهر، ابوطالب قزلسفلو اظهار کرد: اگر توسعه ای که در بستر منابع طبیعی و محیط زیست ایجاد می شود به آن آسیب وارد کند، توسعه پایدار نیست.وی افزود: در حال حاضر جنگل ها، مراتع و پوشش بیابانی در اثر عوامل طبیعی، اقلیم، آفت و بیماری ها در معرض فشار و تهدید است و کاهش فشارهای عوامل طبیعی در کوتاه مدت هم امکان پذیر نیست، باید مانع فشار بر این عرصه ها بر اثر عوامل انسانی شویم. مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری گلستان ادامه داد: منابع طبیعی با زندگی، سلامت، امنیت غذایی و تامین آب سر و کار دارد و باید حفاظت از آن به گفتمان روز تبدیل شود.وی با تاکید بر اینکه حفاظت از منابع طبیعی تحت الشعاع اشتغال و بهبود معیشت شود، اضافه کرد: اگر با چالش های این حوزه مانند ریزگرد و کمبود آب مواجه شویم پیامدهای آن محدود به قشر خاصی نیست. وی متذکر شد: برای ایجاد شغل و بهبود معیشت باید همه جوانب، مباحث علمی و کارشناسی را مورد توجه قرار دهیم اما این بدان معنا نیست که به منابع طبیعی دست نزنیم و استفاده نکنیم بلکه استفاده باید به گونه ای باشد که تخریب و از بین رفتن منابع آب، خاک پوشش به همراه نداشته باشد و ما را در آینده با چالش مواجه نکند. قزلسفلو با تاکید بر اینکه ریزگردها مرز سیاسی نمی شناسد و باید آن را در کشور مدیریت کنیم و جزو اولویت باشد، تصریح کرد: هنوز ریزگردها خارج مرز در گلستان به شکل چشمگیری نیست اما آلودگی تا حدودی در هوا وجود دارد ولی از حد مجاز گذر نکرده است. وی با بیان اینکه باد غالب استان غربی – شرقی است و ریزگرد ها از بیابان های ترکمنستان می تواند بر گلستان تاثیر بگذارد اما دغدغه جدی ایجاد نمی کند، خاطرنشان کرد: کنترل ورود و خروج دام در مراتع، اصلاح و احیاء مراتع با همکاری مرتع داران و تعاونی ها با انجام بوته کاری و بذر کاری و پهنه بندی شمال استان و بیابان زایی و خشکی در راستای مهار ریزگردها اجرا می شود.مدیرکل منابع طبیعی و آبخیزداری گلستان از توزیع ۷۰۰ هزار نهال در هفته منابع طبیعی در گلستان خبر داد و بیان کرد: برنامه های هفته درختکاری از جمعه ۱۳ اسفند با توزیع ۷۰۰ هزار نهال رایگان آغاز می شود و برنامه های مختلفی از جشن درختکاری، کارگاه آموزشی و هم اندیشی حقوقی، سخنرانی علمی و کاشت درخت و ... برای این هفته پیش بینی شده است.

۵۸ درصد معتادان کشور زیر ۳۴ سال هستند

مشاور وزیر کشور و مدیرکل دفتر تحقیقات و آموزش ستاد مبارزه با مواد مخدر گفت: ۵۸ درصد معتادان کشور را افراد زیر ۳۴ تشکیل می دهند و این مساله، تهدید جدی محسوب می شود. به گزارش ایرنا، حمیدرضا صرامی در دومین اجلاس استانی نماز در گنبدکاووس با موضوع نماز و کاهش آسیب های اجتماعی گفت: اعتیاد بزرگترین منکر در جامعه است که نسل نوجوان و جوان ما را لای چرخ دنده های خود خرد می کند. وی افزود: ۶۴درصد معتادان جامعه را متاهلین تشکیل می دهد که به معنای درگیری هفت میلیون نفر از اعضای خانواده ها با این معضل بزرگ اجتماعی است. وی با بیان اینکه دشمن، با اعتیاد و دیگر منکرات بنیان خانواده ها را نشانه گرفته است، اضافه کرد: ۹٫۳ درصد معتادان را بانوان و ۳۶ درصد معتادان را افراد دارای تحصیلات عالیه (بالاتر از فوق دیپلم) تشکیل می دهند. مشاور وزیر کشور تصریح کرد: امروز بسیاری از نوجوانان و جوانان براساس نگرش غلط و با هدف سرگرمی، غلبه بر استرس و رفع مشکلات به سمت اعتیاد می روند. وی خاطرنشان کرد: ۶۵ درصد همسر آزاری ها، ۶۵ درصد طلاق ها، ۴۰ درصد سرقت ها، ۳۰ درصد کودک آزاری ها، ۲۳ درصد نزاع ها، ۲۰ درصد جرایم منکراتی و ۱۰ درصد جرایم عمدی، به دلیل اعتیاد به مواد مخدر روی می دهد.صرامی اضافه کرد: برای عبور از وضعیت موجود جامعه در زمینه آسیب های اجتماعی، باید به تقویت باورهای دینی و مذهبی و آموزش مهارت های زندگی اسلامی و آموزش والدین و آشنا کردن آنان با شیوه های تربیت فرزندان اقدام کرد. مشاور وزیر کشور و مدیرکل دفتر تحقیقات و آموزش ستاد مبارزه با مواد مخدر کشور همچنین گفت: ۲۳٫۶ درصد جمعیت ۱۵ تا ۶۴ سال جمعیت کشور مبتلا به یکی از اختلالات روانی مثل افسردگی، استرس و اضطراب و انواع آن هستند. صرامی اضافه کرد: امروز جامعه با تهدید استراتژیک مواد مخدر مواجه است و علاوه بر آسیب های آن بر نسل نوجوان و جوان و خانواده های ما، سالانه ۲۰۰ هزار میلیارد ریال به اقتصاد کشور خسارت می زند. وی تقویت خود کنترلی در نوجوانان و جوانان را در پیشگیری و کاهش آسیب های اجتماعی مهم دانست و تصریح کرد: این عامل باید از دوره کودکی و نوجوانی به فرزندان آموزش داده شود و علاوه بر آن باید با بسیج عمومی، شیوه های نظارت عمومی را برای کاهش آسیب ها و جرائم در جامعه نهادینه کرد. وی خاطرنشان کرد: ۶۰۰ نوع مواد روان گردان وارد جامعه جهانی شده است که باید مراقب آن بود.

۱۸۲ هزار واحد مسکن مهر در کشور متقاضی ندارد

قائم مقام وزیر راه و شهرسازی در طرح مسکن مهر گفت: با وجود تکمیل فرایند ساخت بیش از ۱۸۲ هزار واحد مسکونی مهر کشور؛ به دلیل فقدان زیرساخت های لازم در شهرک ها؛ متقاضی سکونت ندارد. به گزارش خبرنگار ایرنا احمد اصغری مهرآبادی روز یکشنبه در مراسم بهره برداری متمرکز از هزار و ٥٤٤ واحد مسکن مهر استان گلستان در گرگان اظهار کرد: یکی از دلایل تمایل نداشتن مالکین برای سکونت در این واحدها نبود زیرساخت های لازم همچون مدرسه، مسجد، درمانگاه، جاده دسترسی مناسب و موارد مشابه دیگر است.وی بیان کرد: وزارت راه و شهرسازی برای حل این مشکل و با وجود آن که به جز ساخت منازل تعهد دیگری در شهرک های مسکن مهر نداشت، ساخت ٥٠٠ مدرسه، ٤٥٠ درمانگاه و تعدادی کلانتری را در این شهرک ها آغاز کرد تا زمینه و شرایط برای سکونت آسان و بدون مشکل مالکین فراهم شود.قائم مقام وزیر راه و شهرسازی در طرح مسکن مهر افزود: طرح های نیمه تمام مسکن مهر بدون توجه به لزوم فراهم کردن زیرساخت ها در کشور آغاز به کار کرد و دولت تدبیر و امید برای جلوگیری از هدر رفت سرمایه ها و امید مردم تکمیل آن را شتاب داد.مهرآبادی ادامه داد: دولت تدبیر و امید بیش از یک میلیون و ۷۱۲ هزار واحد مسکن مهر را به بهره برداری رساند که یک میلیون و ۵۳۰ هزار واحد آن بهره برداری شد و بقیه بدون استفاده است. وی گفت: برای تامین همه نیازهای مسکن مهر ۱۸ دستگاه و وزارت خانه مسوولیت دارند اما کوتاهی و قصور برخی از آنها موجب ناتمام ماندن فرایند تکمیل و تجهیز این شهرک ها به زیرساخت های لازم و در نتیجه تمایل نداشتن مردم برای سکونت می شود.قائم مقام وزیر راه و شهرسازی در طرح مسکن مهر بدون اشاره به نام دستگاههای مورد نظر بیان کرد: حدود ۲۷۰ هزار واحد مسکن مهر نیمه کاره است که تلاش می کنیم تا پایان عمر دولت تدبیر و امید تکمیل و آماده واگذاری به متقاضیان شود.مهرآبادی افزود: دولت تدبیر و امید در مدت عمر خدمت خود ٥٥ درصد از منازل طرح مسکن مهر را تکمیل و تحویل متقاضیان داد اما باز هم عده ای دولت را به کم کاری در این بخش و نادیده گرفتن حقوق مردم متهم می کنند.وی ادامه داد: برخی از واحدهای مسکونی به دلیل بروز مشکلاتی دارای پرونده قضایی در دادگاه ها هستند که با دستور رییس قوه قضاییه روند رسیدگی به آنها خارج از نوبت انجام می شود تا فرآیند خانه دار شدن مردم بیش از این طولانی نشود.

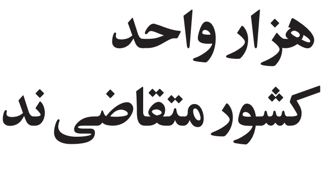

آگهی‌های ثبتی

آگهی ابلاغ اجرائیه باستناد ماده ۱۸ آیین نامه اجرای مفاد اسناد رسمی

بدینوسیله به: ۱ ـ شرکت پیشرو رایانه بندرگز بمدیریت و امضا آقای هادی اسدی بعنوان مدیرعامل ساکن: بندرگز ـ خیابان امام ـ کوچه ثبت اسناد و املاک کدپستی ۴۹۱۳۶۶۳۷۹۵ بعنوان وام گیرنده و ۲ ـ خانم سیده نرجس مرتضوی فرزند سید محمد شماره شناسنامه ۷۶۵ صادره از کردکوی متولد ۱۳۴۳/۴/۶ کدملی ۲۲۴۹۶۵۰۹۲۶ ساکن: بندرگز ـ خیابان امام ـ کوچه ثبت اسناد و املاک کدپستی ۴۹۱۳۶۶۳۷۹۵ بعنوان راهن، ابلاغ می شود بانک ملی شعبه بندرگز به استناد سند رهنی شماره ۴۶۶۶ مورخ ۱۳۸۸/۷/۲۰ تنظیمی دفتر اسناد رسمی شماره ۱۱۹ ـ بندرگز جهت وصول مبلغ ۴/۵۳۸/۰۷۵/۰۰۰ ریال شامل: مبلغ ۱/۳۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال اصل و مبلغ ۲/۳۷۶/۰۷۵/۰۰۰ ریال خسارت تاخیر تادیه و مبلغ ۸۶۲/۰۰۰/۰۰۰ ریال سود بانکی و مبلغ ۹۷۵/۰۰۰ ریال جریمه تاخیر روزانه طبق مقررات علیه شما مبادرت به صدور اجرائیه نموده که پرونده به کلاسه ۹۵۰۰۰۴۵ تشکیل شده و در جریان اقدام است. اجرائیه صادره جهت ابلاغ بشما به اداره پست بندرگز ارسال گردید. برابر گزارش اداره پست شهرستان بندرگز، شما در آدرس تعیین شده در متن سند رهنی مورد شناسایی قرار نگرفتید و بستانکار نیز نتوانسته آدرس جدید شما را معرفی نماید لذا طی درخواست کتبی تقاضای ابلاغ اجرائیه از طریق انتشار آگهی در روزنامه را نموده بنابراین طبق ماده ۱۸ آیین نامه اجرا، مفاد اجرائیه فوق الذکر یک نوبت آگهی می شود لذا چنانچه ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ انتشار این آگهی که روز ابلاغ اجرائیه محسوب می گردد به تعهدات خود اقدام ننمایید، عملیات اجرائی برابر مقررات طبق تقاضای بستانکار علیه شما تعقیب خواهد شد.

حجت اله تجری ـ رییس اداره ثبت اسناد و املاک بندرگز ـ ۶۸۹۰ م الف

آگهی‌های ثبتی

آگهی نوبتی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

۱- برابر رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۱۵۳۲ – ۹۵/۱۱/۱۸ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز مالکیت متقاضی علی اصغر لشکربلوکی فرزند علی جان در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۶۵۷۵/۹۰ متر مربع قسمتی از پلاک ۱-اصلی بخش دو ثبت بندرگز(اراضی لیوان) خریداری مع الواسطه از مالک رسمی علیجان لشکربلوکی محرز گردیده‌است.

۲- برابر رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۱۵۳۳ – ۹۵/۱۱/۱۸ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز مالکیت متقاضی علی اصغر لشکربلوکی فرزند علی جان در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۴۵۰/۶۴ متر مربع قسمتی از پلاک ۱-اصلی بخش دو ثبت بندرگز(اراضی لیوان) خریداری مع الواسطه از مالک رسمی علیجان لشکربلوکی محرز گردیده‌است.

۳- برابر رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۱۳۸۶ – ۹۵/۱۰/۱۳ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز مالکیت متقاضی محمدمهدی عبدالصالحی فرزند اسداله در ششدانگ یک قطعه باغ محصور به مساحت ۸۵۰۰/۷۸ متر مربع قسمتی از باقیمانده پلاک ۱-اصلی بخش دو ثبت بندرگز(اراضی لیوان غربی) خریداری مع الواسطه از مالک رسمی علی اصغر احمدی لیوانی محرز گردیده است.

۴- برابر رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۱۳۸۶ – ۹۵/۱۰/۱۳ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز مالکیت متقاضی محمدمهدی عبدالصالحی فرزند اسداله در ششدانگ یک قطعه باغ محصور به مساحت ۸۵۰۰/۷۸ متر مربع قسمتی از باقیمانده پلاک ۱- اصلی بخش دو ثبت بندرگز(اراضی لیوان غربی) خریداری مع الواسطه از مالک رسمی علی اصغر احمدی لیوانی محرز گردیده است.

۵- برابر رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۱۴۰۷ – ۹۵/۱۰/۱۵ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز مالکیت متقاضی سلمان کاویانی فرزند محمدرضا در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۱۰۷۰/۹۲ متر مربع قسمتی از باقیمانده پلاک ۶۵۲۵ فرعی از ۴-اصلی بخش دو ثبت بندرگز(اراضی تلور) خریداری مع الواسطه از مالک رسمی قلی یداللهی محرز گردیده است.

۶- برابر رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۱۱۹۸ – ۹۵/۹/۹ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز مالکیت متقاضی سلیمان دماوندی کمالی فرزند سعداله در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۵۷۰۵/۹۱ متر مربع قسمتی از باقیمانده پلاک ۵-اصلی بخش دو ثبت بندرگز(اراضی جفاکنده) که میزان ۲۵/۵ سهم مشاع از ۱۲۰ سهم ششدانگ عرصه وقف عام است خریداری مع الواسطه از مالک رسمی آقایان علی مراد قره قاشی محرز گردیده است.

۷- برابر رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۱۱۹۷ – ۹۵/۹/۷ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز مالکیت متقاضی جمشید گلعلی پور فرزند لطف اله در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۸۲۰۴/۷۹ متر مربع قسمتی از باقیمانده پلاک ۷- اصلی بخش دو ثبت بندرگز(اراضی شاه پسند) خریداری مع الواسطه از مالک رسمی از آقای احمد گلعلی پور محرز گردیده است.

۸- برابر رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۱۱۹۶ – ۹۵/۹/۷ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز مالکیت متقاضی محمد رفیع کردی فرزند عبدالرحمن در ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۳۴۱۸/۹۷ متر مربع مفروز و مجزی شده از پلاک ۸- اصلی بخش دو ثبت بندرگز(اراضی گز) خریداری مع الواسطه از مالک رسمی آقای عبدالرحمان کردی محرز گردیده است.

۹- برابر رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۱۳۲۴ – ۹۵/۱۰/۶ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز مالکیت متقاضی امید پارسا فرزند شعبانعلی در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۰،۰۰۰(ده هزار) متر مربع قسمتی از باقیمانده پلاک ۸- اصلی بخش دو ثبت بندرگز(اراضی گز غربی) خریداری مع الواسطه از مالک رسمی آقای حاج اسماعیل کردی محرز گردیده است.

۱۰- برابر رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۱۱۹۴ – ۹۵/۹/۷ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز مالکیت متقاضی مسلم میرمحمدی فرزند یوسف در ششدانگ یک قطعه باغ به مساحت ۱۰۵۱۷/۱۰،۳۳ متر مربع قسمتی از باقیمانده پلاک ۹- اصلی بخش دو ثبت بندرگز(اراضی والفرا) که میزان ۲۰/۵۰ سهم مشاع از ۱۲۰ سهم ششداتگ عرصه وقف عام است خریداری مع الواسطه از مالک رسمی آقای یوسف میرمحمدی محرز گردیده است.

۱۱- برابر رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۱۵۲۶ – ۹۵/۱۱/۱۶ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز مالکیت متقاضی محمد صادقی برزانی فرزند رجبعلی به مقدار ۹۱/۲۰ سهم مشاع از یکصد و بیست سهم ششدانگ اعیانی بانضمام مقدار ۶۴/۲۲ سهم مشاع از یکصد و بیست سهم ششدانگ عرصه یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۳۱۴۶۷/۰۱ متر مربع قسمتی از پلاک ۱۳-اصلی بخش دو ثبت بندرگز(اراضی باغو) که میزان ۳۵/۵۰ سهم مشاع از ۱۲۰سهم ششدانگ عرصه وقف عام است خریداری مع الواسطه از مالک رسمی فرج اله حمیدی و علی بهمنی و خانم منصوره بهمنی محرز گردیده است.

۱۲- برابر رای شماره ۱۳۹۵۶۰۳۱۲۰۰۹۰۰۱۵۲۷ – ۹۵/۱۱/۱۶ هیات اول مستقر در ثبت بندرگز مالکیت متقاضی رضا حمیدی فرزند فرج اله به مقدار ۲۸/۸۰ سهم مشاع از یکصد و بیست سهم ششدانگ اعیانی بانضمام مقدار ۲۰/۲۸ سهم مشاع از یکصد و بیست سهم ششدانگ عرصه یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۳۱۴۶۷/۰۱ متر مربع قسمتی از پلاک ۱۳-اصلی بخش دو ثبت بندرگز(اراضی باغو) که میزان ۳۵/۵۰ سهم مشاع از ۱۲۰سهم ششدانگ عرصه وقف عام است خریداری مع الواسطه از مالک رسمی فرج اله حمیدی و علی بهمنی و خانم منصوره بهمنی محرز گردیده است.

لذا به منظور اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضیان اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ، ظرف مدت دو ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تجری – رئیس ثبت اسناد و املاک بندرگز – م.الف: ۷۴۵۶
تاریخ انتشار نوبت اول: شنبه ۹۵/۱۲/۷
تاریخ انتشار نوبت دوم: شنبه ۹۵/۱۲/۲۱

نسخه اینترنتی
روزنامه گلشن‌مهر
www.golshanemehr.ir

خبر

آیت ا... نورمفیدی:
جوانان با زور نماز خوان نمی شوند

نماینده ولی فقیه در استان گلستان معتقد است که با زور و تحمیل نمی توان جوان را نمازخوان کرد بلکه بایستی با زبان خوش و امروزی و نیز تبیین فلسفه نماز، جوانان را به خواندن این فریضه واجب الهی ترغیب و تشویق کرد. به گزارش خبرنگار ایرنا، آیت الله سیدکاظم نورمفیدی روز یکشنبه در دومین اجلاس استانی نماز در گنبدکاووس، اظهار داشت: نماز، دلبستگی انسان به خداوند متعال است و بایستی این دلبستگی را خود و در نسل جوان نهادینه کرد.امام جمعه گرگان تاکید کرد: آموزش و پرورش و دانشگاه ها نبایستی فقط به اقامه نماز درنمازخانه های مدارس و مراکز آموزش عالی بسنده کنند که البته این کار نیز خوب است، اما باید فلسفه نماز را نیز برای دانش آموزان و دانشجویان تبیین کنند.آیت الله نورمفیدی با تاکید برضرورت باز کردن بابی در مدارس و دانشگاه های کشور برای ترویج و گسترش فرهنگ و تبیین اقامه نماز، افزود: نسل جوان بایستی به مرحله ای از درک و فهم و چرایی نماز خواندن برسد و تبیین این فهم، وظیفه معلمان و استادان دانشگاه ها است.نماینده ولی فقیه در گلستان همچنین بابیان اینکه امروز اعتیاد به مواد مخدر در همه جوامع بشری و ایران وجود دارد که باید برای کاهش آن تلاش شود، گفت: ریشه همه آسیب های اجتماعی دلبستگی انسان ها به قدرت، ثروت و شهوت است که باید این دلبستگی را از بین برد.آیت الله نورمفیدی افزود: همه ادیان آسمانی و پیامبران الهی با هدف کاهش دلبستگی های دنیوی انسان ها و تطهیر و سلامت جامعه و نیز ایجاد دلبستگی به خداوند نازل و به رسالت مبعوث شده اند.امام جمعه گرگان اضافه کرد: امروز نماز بهترین راه دلبستگی و ارتباط با خداوند است زیرا تمام حرکات و حالات انسان در نماز فقط متوجه خداوند است و به همین دلیل درآموزه های دینی شیعه و اهل سنت، نماز را ستون دین، معراج مومن و عامل قرب الهی معرفی کرده اند.نماینده ولی فقیه دراستان گلستان، توجه به نمازهای پنجگانه بویژه نماز صبح را بسیار مهم و اثربخش در زندگی فردی و اجتماعی انسان دانست و تصریح کرد: هنگام نماز خواندن همه ملائکه شب و روز برای انسان ثواب می نویسند.آیت الله نورمفیدی درپایان سخنان خود، نماز را درمانگر آسیب های اجتماعی دانست و از همه مسئولان، فرهنگیان، استادان دانشگاه و خانواده ها خواست، ترویج این سرمایه عظیم معنوی را درجامعه نهادینه نمایند.به گزارش ایرنا، دومین اجلاس استانی نماز استان گلستان با موضوع نماز و کاهش اسیب های اجتماعی با حضور مشاور وزیر کشور و مدیرکل دفتر تحقیقات و آموزش ستاد مبارزه با موادمخدر کشور، قائم مقام ستاد اقامه نماز کشور، معاونین استاندار گلستان، مدیران کل، ائمه جمعه و جماعات شیعه و اهل سنت، فرمانداران و مسئولان شهرستان های مختلف گلستان و نیز اقشار مختلف مردم درمصلی نمازجمعه گنبدکاووس برگزار شد.شهرستان گنبدکاووس با ۳۶۰ هزار نفر جمعیت درشرق استان گلستان واقع است.

جشن نیکوکاری گلستان در ٢٤ پایگاه شهری برگزار می شود

مدیرکل کمیته امداد امام خمینی (ره) گلستان گفت: جشن نیکوکاری گلستان ١٨ اسفند در ٢٤ پایگاه شهری برگزار می شود. به گزارش مهر به نقل از روابط عمومی کمیته امداد گلستان، امان‌الله حسین‌زاده اظهار کرد: جشن نیکوکاری ١٨ اسفند در سطح مدارس، ١٩ اسفند در سطح شهرها و در قالب ٢٤ پایگاه و ٢٠ اسفند در محل مصلی نمازجمعه برگزار می‌شود. وی افزود: برنامه کمیته امداد امام خمینی (ره) گلستان در حوزه کمک‌های مردمی ٣٨ میلیارد تومان پیش‌بینی شده بود که تاکنون ٣٧ میلیارد و ٥٠٠ میلیون تومان معادل ٩٨ درصد آن محقق شده است. وی تصریح کرد: پیش‌بینی شده کمک‌های مردمی تا پایان سال جاری به ٤٥ میلیارد تومان افزایش پیدا کند. حسین‌زاده تصریح کرد: مردم نیکوکار استان این اطمینان را داشته باشند که کمک‌های مردمی صرف هزینه‌های تشکیلاتی آب، برق، گاز، تلفن و یا حقوق کارمندان نمی‌شود همه اعتبارات کمیته امداد به صورت دولتی است.

به نامِ هدایت....

حسین عبدالوند ـ هدایت یکی از معدود نویسندگان ماست،که در چند زمینه تلاش های در خوری داشته و نمی شود به سادگی از کنار آثار تحقیقی و ترجمه ای او گذشت.نمی خواهم اسامی آثار او را قطار کنم و اورا معرفی کنم..بلکه می خواهم در ابتدا به یکی از ضعف های خودمان اشاره کنم و سپس به چند مورد کم دیده شده یا دیده نشده در مواجهه با هدایت بپردازم..متاسفانه تمام آثار ترجمه ای و تحقیقی هدایت،تحت تاثیرداستان نویسی او و زیر سایه ی هدایت داستان نویس _در محاق مانَده است..مثلا نیرنگستانَ_یا آن منابع قابل تأمل و تاریخی و آن رویکرد تازه ی هدایت در شناخت و واکاوی ادبیات فولکلور،چرا نادیده گرفته می شود؟آیا به راستی همه اش خطوط قرمزهای هیأت حاکمه است..؟هدایت جدی ترین چهره ی داستانی ما بوده و سالها به او و آثارش ،به خصوص داستان هایش پرداخته شده است .در این میان اما مواردی کمتر دیده شده یا دیده نشده وجود دارد،که با توجه به آنها ،می شود به او نزدیک شد و اورا بهتر شناخت..من در این نوشته سعی می کنم به این موارد هرچند خلاصه بپردازم...

۱_این چندماه اخیر کتابی به بهانه ی بوف کور به چاپ رسید از محمود نیکبخت ! اما با توجه به اشارات و ایرادات و قیاس نوشته های دیگران،مربوط به بوف کور_از چند جهت ایراد داشت،که من بنا به تناسب با بحث ،یک مورد را اشاره می کنم..کتاب نیکبخت مثل کتابهایی که پیش تر در مورد بوف کور نوشته شده بود،به لحن توجهی نداشت و در اکثر مقاطع کتاب به همان رویکرد روانکاوانه می پرداخت و...در مورد لحن تعاریف گوناگونی داریم: از نقطه نظر نویسنده به اثرش،تا شیوه ی برخورد نویسنده نسبت به خواننده...یا به قول ویلفرد گورین رفتار راوی ست با پرسونا_یا به قول ریچاردز نقطه نظر گوینده خطاب به خواننده است...شاید با لحاظ کردن این اشارات،به همان نگاه ژرار ژنت برسیم که موقعیتی را بین گوینده و شنونده فرض می کرد و در انتها به چه کسی سخن می گوید ؟می رسید!.ولی از چه چیزی گفتن هم لحن خودش را می طلبد...هدایت در رعایت لحن ،در داستان های قوی خود،که زنده به گور و سه قطره خون و بوف کور بیشتر به چشم می آید،به همان نگاه متمایز و شخصی می رسد..سبک او محصول دریافتن لحن های مختلف و درک عمیق نگرش ممتاز اوست.اینکه من چگونه شخصیتی که چندین بار خودکشی کرده را(زنده به گور) در عمل روایت(به قول ژنت)به مخاطب نشان بدهم،یا در داستان متوسط (عروسک پشت پرده) چگونه اضطراب و استمرار شخصیت اصلی داستان را بعد از کشتن دختر ،در استفاده از فعل در انتهای داستان نشان بدهم ،مهم است.اینکه چگونه بشود چند فعل ماضی ساده یکباره در انتها به ماضی استمراری تبدیل کرد مهم است..در واقع هدایت در مباحث سبکی خوب عمل کرده است .سبک آوایی،سبک واژگانی ،سبک نحوی به بهترین شکل ارایه می شود.لحن سهم عمده ای از شخصی سازی زبان را بر عهده دارد.و چیزی که در مبحث لحن مهم است این است که یک نویسنده،متناسب با موضوع،ممکن است در آثارش،لحن های متنوعی داشته باشد..به هر حال هدایت روند شخصی سازی زبانش بسیار به دریافتش از لحن بستگی دارد..هدایت نوع برخوردش با مخاطبش معلوم است،او در اکثر آثار با زبانی هجو گونه حرف می زند،به مسخره کردن هستی می پردازد..او طنز را با تمام زیر شاخه هایش خوب می شناسد.گاهی نقیضه سرایی می کند،همان طور که نقیضه ای بر قصیده ی معروف بهار:ای دیو سپید پای دربند..می گوید..یا آیرونی را که با طنز متفاوت است را به خوبی به کار می برد..چرا که می داند طنز یک ژانر است و آیرونی یک تکنیک..! او به معنای واقعی یک آیرونیست است.طنز گونه از موضعی برتر به وضعیت موجود نگاه می کند.چه آنجا که زنان در علویه خانم ،کنایات و تعریض های بسیاری ادا می کنند،چه آنجا که در وغ وغ ساهاب ،با دستکاری در شکل املایی کلمات و نحوه ی نگارش،فضایی طنزآلود می آفرینند... هدایت لحن را خوب می شناسد و سبک شخصی اش را بنا به تجربیات می تواند پیاده کند..عمدا به دو داستان درخشانش که بوف کور و سه قطره خون هستند نمی پردازیم که زیاد گفته اند و....

۲_هدایت دو اصطلاح مهم را در داستان هایش وارد می کند و به نوعی مبدع آن محسوب می شود.یکی اصطلاح خنزر پنزری در داستان بوف کور است که صفت پیرمرد داستان است و نقش استعاری او را تکمیل می کند.یکی هم اصطلاح قجرافشاری ست که در داستان حاجی آقا به کار گرفته.دوام الوزرا با ته لهجه ی کاشی قجرافشار و خیلی شمرده صحبت می کرد.این سبک همان طور که در دیالوگ های دوام الوزرا حضور دارد بعد ها هم در شازده احتجاب گلشیری و فیلم های علی حاتمی استفاده می شود...

۳_در طول شصت و پنج سالی که از مرگ هدایت می گذرد،انواع و اقسام انتساب ها را به او داشته اند.. نهیلیسم و همجنس باز و اگزیستانسیالیسم و...جالب است..همه ی اینها را در آثارش جسته اند و تئوریزه هم کرده اند..خودش در اواخر عمر ،در نامه ای به جمالزاده می نویسد:سخت دچار فاتالیسم شده ام....اگر چنین باشد پس اگزیستانسیالیست ها چه می گویند؟فاتالیسم(تقدیرگرایی)چه سنخیتی با اگزیستانسیالیسم دارد..شاید هنوز بهترین و توجیه پذیرترین مبحث استخراجی از آثار هدایت که روندی مشخص دارند،همان بحث روانکاوی ست..مثلا عروسک پشت پرده سه قطره خون، بوف کور..از این منظر حرف های جالبی در باب روانکاوی دارد.

٤_در پایان یک مورد ذوقی و شاید به نحوی روزنامه ای را اشاره می کنم که به نظرم خیلی مهم است..دوره ای که صادق هدایت زندگی می کرده،یکی از راههای ارتباطی و درخشان بین هنرمندان ،نامه بوده است.. در نامه ،شخص آراء و عواطفش را با صراحت بیشتری بیان می کرده ،پس نامه یکی از شیوه های شناخت زمانه و زندگی هنرمند محسوب می شود..نیما،خانلری،مجتبی مینوی و...از کسانی هستند که می شود به واسطه ی نامه هایشان بیشتر به آن ها نزدیک شد.اما صادق هدایت!

طبق شواهد،اولین نامه ی هدایت در اکتبر ۱۹۲۵ از تهران به پاریس،و به تقی رضوی نوشته می شود و آخرین نامه هم در مارس ۱۹۵۱ یعنی یک ماه پیش از مرگش ،به برادرش محمود هدایت نوشته می شود.هدایت بیشترین نامه را برای شهید نورایی می نویسد و سالها بعد این نامه ها که تعدادشان هشتاد و دو نامه است،چاپ می شود .همایون کاتوزیان در طرح و بررسی نامه ها تلاش های زیادی داشته است.هدایت به محمد تقی رضوی_مجتبی مینوی _حسن شهید نورایی،بیشتر از دیگران نامه می نوشت،اما جمالزاده هم روایت جالبی ست که...جمالزاده و هدایت ،دوستان خوبی بودند..و جمالزاده سالها بعد از مرگ هدایت و در واقع تا اواخر عمر از هدایت به نیکی یاد می کرد.جالب این که او بوف کور را بدترین کتاب هدایت می دانست و برعکس همه،از حاجی آقا و علویه خانم به عنوان شناسنامه ی هدایت می شناخت..جمالزاده ،یازده سال پیش از مرگ هدایت کتاب دارالمجانین را می نویسد ..شخصیتی به نام هدایت علی موسیو خودش را می کشد..و یکی از سرخوشی های جمالزاده این بود که می گفت من مرگ هدایت را پیش بینی کرده ام و هدایت علی موسیو همان صادق هدایت خودمان است.

یادداشت

هدایت و پرسش جادویی

آزاده فراهانی

نگاه که می کنم خیلی ها خوب می نویسند. همین امروز هم هستند کسانی که شیوه های نوشتن را کم از هدایت نمی دانند. پس آنچه هدایت را متفاوت می سازد و آنچه هدایت دیگری در ادبیات امروز ما برنمی شناساند چیست؟ فارغ از نثر استوار و پیچیدگی های روانی و نگاه واقع گرایانه و موشکافی های اجتماعی –اخلاقی و بازی های استادنه در محورهای زمان و مکان وقوع داستان ها و اینگونه شگردها راز صادق هدایت شدن در جایی دیگر است: در یافتن یک پرسش. او پرسش جادویی خویش را یافته بود. همان پرسشی که چون یافتیش دیگر امان نیابی. در شکوه این گونه پرسش ها همین بس که یک نوع آن که به قول هایدگر پرسش از وجود بود بیش از دوهزار سال افکار و آثار صدها فیلسوف را به خود مشغول داشت و داشته است. یعنی اقتداری به قدر تاریخ یک فلسفه. هدایت نیز پرسش خویش را یافته بود؛ همان پرسش که او را به نوشتن کشید، به عشق کشید، به طغیان، به سقوط بچه گانه در رود مارن، و سرانجام به اتاق گاز خودخواسته. همه چیز از این پرسش جادویی سرچشمه می گیرد تا به جایی می رسد که مهم ترین ویژگی آثار هدایت شکل می گیرد: تصرف روانی در جهان پیرامونی. او همیشه در سایه پرسش ذهنی خودش به دنیا نگاه می کند. و پرسش ذهنی او پرسشی گنگ و آشفته است. او هیچگاه به جهان صلب و مادی نمی رسد. جهان همواره با تزئینات ذهنی او در برابر دیدگانش ظاهر می شوند. و او استادانه روان خود را به جهان پیرامونش تحمیل می کند. واژه ها در آثار هدایت واژه های بی پیرایه و لخت نیستند. او همواره در حال توضیح و تفسیر جهان پیرامون خود در راستای یافتن پاسخ پرسشش می باشد. مثلا داستان معروف سگ ولگرد را مرور می کنیم. داستان با توصیف میدان ورامین آغاز می شود که زبانی توضیحی دارد و نویسنده با ارجاعتی که به بیرون از ابژه می دهد ذهن را صرفا در میدان ورامین نگه نمی دارد تا اینکه به سگ می رسد. و اینجا دیگر دقیقا شروع بع ابراز شعارگونه ذهنیاتش در قالب رفتارهای مردم با سگ می کند. این مشخصه صادق هدایت است. درگیر کردن آشکار روانش با پیرامون. این جاهاست که او دارد دنبال پاسخی برای پرسشش می گردد. کار به جایی می رسد که شروع به ابراز ذهنیات سگ نیز می کند. و کم کم با تسلط خوبی که به فنون داستان نویسی دارد در خلال ابراز ذهنیات سک داستان زندگی او را نیز شرح می دهد. و در نهایت آنچه بیش از همه این داستان را ماندنی می سازد سوژه است. تلاشی است که هدایت در یافتن پاسخ پرسشش داشت و باز هم منجر به ناامیدی بزرگی شد که چون مرگ بر سر این سگ بیچاره سایه انداخت. آنچه هدایت را برجسته می سازد بیش از هر چیزی یافتن پرسش جادویی است. و این همان چیزی است که جای خالی آن در ادبیات امروز ما مشهوداست.

مرگ‌اندیشی در داستان

لیلادرخش–هدایت از زبان راوی بوف کور میگوید:اگر حا تصمیم گرفتم که بنویسم فقط برای این است که خودم را به سایه ام معرفی بکنم.او تاکید می کند که :من فقط برای سایه خودم می نویسم.هدایت به استناد نقل قول خود محمدعلی جمالزاده بعد از او فرزند خلف ادبیات داستانی ایران است در این سطور نگارنده در صدد است سیر تحول و از غالب ادبیات داستانی را که از محمد علی جمالزاده به ارث برد و در قلم او به جایگاه خلا فت این عرصه رسید با این نگاه بررسی کنیم که براستی فرزندان خلف هدایت کجای ادبیات داستانی ما ایستاده اند؟ آیا نویسندگان معاصر نیز توانستند وارث خوبی برای این غالب ادبیات داستانی باشند یا نه؟از این رو به اختصار به شیوه داستان نویسی هدایت می پردازیم.درون مایه اغلب داستان های هدایت مرگ اندیشی انتقاد از جامعه تحت استبداد پوچ گرایی و خرافه پرستی است.از منظر مرگ اندیشی نه تنها غالب نوشته های هدایت مورد استقبال قرار نگرفت بلکه عمدتا مخالفت ها با این نوع نگرش کار را بدان جا رساند که نویسندگان بعد از هدایت بیشتر با عنصر زندگی در نوشته های خود درصدد جلب نظر منتقدان برامدند.اری منتقدان!چرا که همین معقوله با درامیختنش با خودکشی هدایت اهرمی شد برای نفی غالب نوشتاری هدایت پوچ گرایی هدایت که خود تاثیر گرفته از دنیای ادبیات داستانی معاصر غربی اش از جمله «فرانتس کافکا» بود هم چندان مقبول طبع منتقدان قرار نگرفت.عمدتا یا این فضای پوچ گرایانه را نشناختند یا به ترس از تاثیرات منفی برا نظام مذهبی حاکم بر اجتماع در تلاش برای محکوم کردنش برامدند.اما نگاه منتقد هدایت به اجتماع در داستان نویسان بعد از او تاثیر گذاشت با این تفاوت که هدایت بزرگترین منتقد نظام سنتی و مذهبی عصر خویش بود ولی در اثار نویسندگان بعد از او بیشتر نظام حاکم تحت الشعاع قرار گرفت. هدایت از یک بستر وسیع تر انتقاد می کرد و مبانی پیدایش این استبداد را نشانه می رفت ولی بعد ها نویسندگان به صرف اعتراض ها عمدتا مقطعی بسنده کردند. انتقادبه خرافه پرستی هدایت هم باز چندان که او با لحنی طنز به ستیز جامعه خرافه پرست می رفت نه تنها نظر نویسندگان بعد از او را جلب نکرد بلکه حتی داستان نویسان با پرداختن به اداب و رسوم خرافه اندیشی غالبی تقلیدی از بکارگیری این خرافه ها را در داستان های خود پیش گرفتند.تصویر ها و توصیف شخصیت ها و چهره ها داستانی هدایت اغلب رنگ ملی دارند با نثری بی پیرایه ،ساده و عاری از دشوار نویسی. این تصاویر هم با صرف نظر از چند اثر از نویسندگانی چون سیمین دانشور یا محمود دولت ابادی و...باز چندان مورد توجه قرار نگرفت. ببینید من از چهره های ملی صحبت می کنم نه الزاما هر کاراکتری که بومی است.ولی نوع نگرش و پردازش کاراکتر حال و هوای غربی را یاداور است.ولی نثر ساده نویسی بعد از هدایت به جرات می توان گفت دیگر به شیوه مسجع محمدعلی جمالزاده بازنگشت.این نیز صرف تاثیر از هدایت نبود بلکه مهمترین عاملش کم مایگی نویسندگان از ادبیات کلا سبک و تصنع موجود در نثر پیشین بود.و علا وه بران تغییر سلیقه مخاطبان که دیگر مخاطب داستان عده محدود اشراف زادگان اجتماعی نبودند مخاطبان داستان افرادی عادی از بستر جامعه بودند پس نویسنده تمام تلاش خود را می کرد برای مخاطب عام بنویسد.نثر هدایت مستحکم و قوی مایه است چنانکه مخاطب با کاراکتر های هدایت به اعماق روانکاوی شخصیت سفر می کند. اما بعد ها عمده نویسندگان در پردازش شخصیت به گونه ای ضعیف عمل کردند که گاه مخاطب از پیگیری شخصیت یا شناسایی او بازمی ماند.و نبود نثر قوی و منسجم عاملی میشود، برای دور شدن مخاطب از این داستان ها.هدایت از زبان و فرهنگ مردم بخوبی الهام می گیرد و همین عنصر مهم اثار اوست.به حق این شیوه توانست الگوی مناسبی برای داستان نویسان باشد.هرچند که گاه چنان نویسندگان به فرهنگ بومی این مطقه بسنده کردند که اثارشان باز برای مخاطب عام ناگیرا بود. ولی باز هم نمیشود استفاده از زبان و فرهنگ مردم را که الگوی مناسب برای داستان نویسان معاصر است نادیده گرفت. هدایت از توصیفات ریالیستی دقیق استفاده می کند،تبحر خوبی در توصیف جزییات دارد،بطور مثال داستان سگ ولگرد چنان باجزییات دقیق توصیف شده است که مخاطب براحتی سگ یا حال و هوا و برودت دما را مجسم می کند.این شیوه هم هرچند با جزییات هدایت تکرار نشد ولی مورد نظر نویسندگان بعد از او قرار گرفت. پرداختن به جنبه های روانی و دورنی چهره ها و اشخاص داستانی در کنار وصف ظاهر انها از دیگر شگردهای نویسندگی هدایت است. اگر فقط «علویه خانم» را بررسی کنیم می بینیم هدایت بخوبی از عهده معرفی جنبه های روانی و جزییات ظاهری کاراکتر برمی اید.توانایی که بعد از هدایت کمتر در پردازش شخصیت ها سراغ داریم.هدایت طنزی به غایت قوی و انتقادی را در اثار خود بکار گرفته است شیوه ای از طنز که کمتر در اثار نویسندگان بعد از او بکار رفت طنزی تلخ و برگرفته از تبعیض های اجتماعی.اندیشه پس داستان های هدایت توانمندی دیگری ست که از نگاه نویسندگان معاصر دور ماند.اگر هدایت توپ مروارید، سه قطره خون، آبجی خانم، عروسک پشت پرده و ... باقی داستانهایش را با تمام قدرت قلمی که پیش ازاین برشمردیم به قلم میکشد ،همراه روایت ساده اندیشه ای را به چالش میگذارد که این نگاه عمدتا در نویسندگان معاصر معطوف به روایت شدند.روایت هایی که گاه در اثار خوب قلمی هم نتواست از پس خلق داستان اندیشه ای را در ذهن مخاطب به چالش بکشد.و صرفا روایت باقی ماند.هدایت با آنکه از طبقه مرفه جامعه برامده بود اما با تعصب خاصی همیشه از مشکلات و دغدغه های طبقه فرودست جامعه نوشت.این تعلق خاطرش به مشکلات اجتماعی مردم از او چهره ای دغدغه مند را درادبیات فارسی برای همیشه ثبت کرد.هدایت با انکه در بوف کور یا برخی از داستان هایش قالبی از سبک سوریالیستی را پیش گرفت اما این امر مانع ان نشد که از پرداختن به توصیفات ریالیستی داستان هایش غافل بماند.از این رو هدایت را بی شک همچنان فرزند خلف داستان نویسی معاصر می توان نامید.نویسنده ای که برای سایه ی پیچیده ی خود چنان نوشت که همواره درصدرنویسندگانِ معاصرباقی‌بماند.

شعر

دوشعر از محمدگنابادی

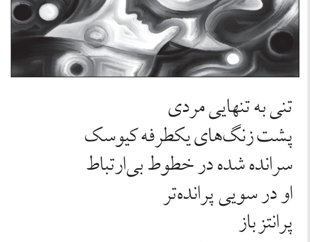

تنی به تنهایی مردی
پشت زنگ‌های یکطرفه کیوسک
سرانده شده در خطوط بی‌ارتباط
او در سویی پرانده‌تر
پرانتز باز
سری به سقوط تنها تن می‌داد
و شکل ایستاده یک کیوسک
زنگ می‌خورد در او که نیست
در روایتی از نبود
و اتفاق‌های ذهن
در زبان
مکالمه را به سطرهای ابتدایی برمی‌گرداند
او سال‌ها پیش در زنگ آخر تلفنی مرده بود

«»

مقصر تیتر درشت روزنامه‌های کوچک محلی‌ست
که از نشست‌های چند نفره
حول پرسه‌ی فنجان‌های سرد شده
شیوع تلخ‌تری پیدا کرده است؛

مرگ یک جنین
جنگ را به دامن زنی کشاند
در آخرین سوراخِ کمربند مردان شهر

وجدان نگون بخت

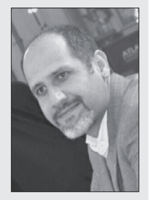

محمد رضا مرادی طادی ـ صادق هدایت(۱۳۳۰–۱۲۸۱)،که اکنون در قطعه ۸۵ گورستان پرلاشز در پاریس آرمیده است،اگرچه مترجم،نویسنده و پژوهشگر ارجمند ایرانی بود و هست،و شاید بتوان او را اولین رمان نویس تمامی تاریخ تمدن ایرانی–اسلامی دانست،امّا بیش از هر چیزی او را بایستی به صفت روشنفکری به معنای خاص و ویژهٔ آن شناخت.صادق هدایت به تمامی معنای اتمّ کلمه روشنفکر بود،روشنفکرانه زیست،و در نهایت در کوشش و کِشِشی که در میان جان او رخ داد،خود را نابود کرد تا به خود باز گردد.

هدایت در شرح سرگشتگی‌های روحی‌اش،حدیثِ نفس خود را این گونه روایت می کند:

«از این گذشته، شرح حال من هیچ نکته برجسته‌ای در برندارد؛ نه پیش آمد قابل توجهی در آن رخ داده نه عنوانی داشته‌ام نه دیپلم مهمی در دست دارم و نه در مدرسه شاگرد درخشانی بوده‌ام،بلکه بر عکس همیشه با عدم موفقیت رو–به –رو شده‌ام. در اداراتی که کار کرده‌ام همیشه عضو مبهم و گمنامی بوده‌ام و رؤسایم از من دل خونی داشته‌اند، به طوری که هر وقت استعفا داده‌ام، با شادی هذیان آوری پذیرفته شده است. روی هم رفته موجود وازده بی‌مصرف، قضاوتِ محیط درباره من می باشد و شاید هم حقیقت در همین باشد».

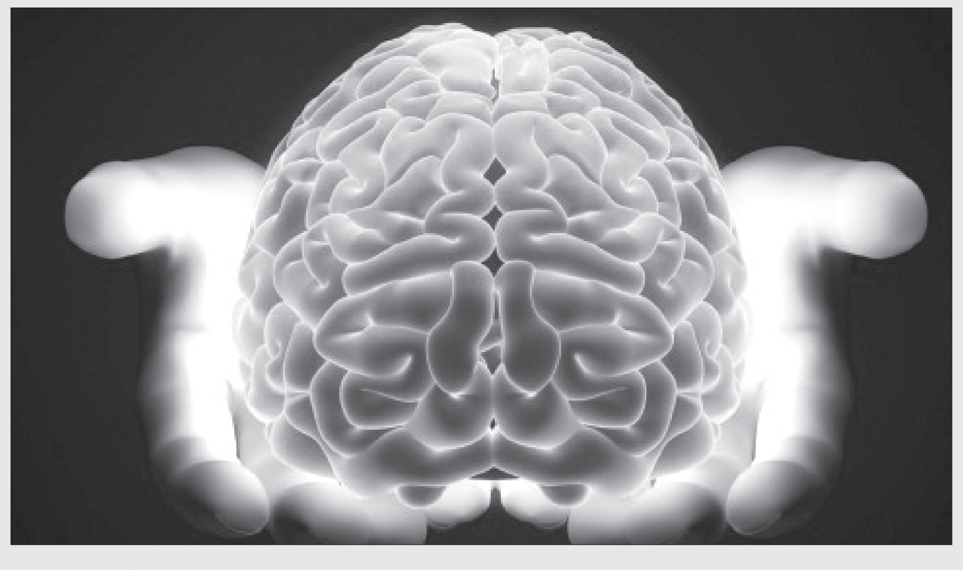در واقع این «موجود وازدهٔ بی مصرف» – که وصف صادق هدایت از خودش است – شرح حال اگزیستانسی است که از خود برون ایستاده امّا نمی تواند تضادی کهَ میان برون ایستایی و درون ایستایی‌اش – نسبتش با تاریخ و جامعه و فرهنگش – وجود دارد را حل و فصل کند.هدایت تمام تضادهایی که در تاریخش وجود داشت را درونی کرد و چون خواست از شکاف عمیقی که از آن آگاه شده بود،برگردد،ناتوان و خسته در نهایت به جای برگذشتن از این شکاف هولناک از خود برگذشت. هدایت چیزی نبود جز همان حکایت بوف کور؛پیرمردی خنزر پنزری که در این سوی و آن سوی رود سورن،در میانهٔ مغاک عظیمی که ایران اهورایی را از ایران اسلامی جدا می کرد،وامانده بود و چون به این تضاد آگاه شد،خواست از آن برگذرد،امّا بسان وجدانی نگون بخت که می خواست با هستی متعالی‌ای وحدت یابد که فراسوی توان اوست،عاقبت به فنای خود راضی شد. شاید چندان منصفانه نباشد،ولی هدایت در جایی دیگر نیز با بی رحمی هر چه تمام تر خودش را روایت می کند:سگ ولگرد.داستان سگی که به دنبال کشش های غریزیِ خودش می رود ، کتک می خورد،صاحبش را گم می کند و در نهایتَ به دنبال امید و توهمی روان می شود تا جان می سپارد.اگر تمام بُنمایه های نُمادین داستان را در کنار این نکته بگذاریم که سگ سمبلی از ایران باستان و نشانی از تنش میان سبک زندگی عرب و عجم در سده های میانه بوده است،لایه های معنایی داستان و جدال های درونی هدایت بر ما بیشتر آشکار می شود. هدایت در تمام داستان ها و آثارش روایت گر همین تضاد است.به تعبیر داریوش آشوری او نمادِ عالی وجدان زخمناک روشنفکری جهان سومی ماست.جهانِ ایرانی که میان خودشیفتگی حافظ و از خود بیزاری هدایت در نوسانَ است. از همین رو هدایت روایت وجه کین توزانه یا رُسانتیمانیستی ماست. احساسی از حقارت/تکبر نسبت به دیگری؛فرافکنی آن چه که درونی است به بیرون،برای یافتن علت ناکامی ها و رنج ها و بدبختی‌ها و نکبت هایی که در طی تاریخ بر وجدان ما تلنبار شده است.گونه ای اخلاق بردگان که نمی تواند آفریننده باشد،علیل از این که کنشگر باشد، لذا هماره واکنشی است و منفعلانه. امّا وقتی که هدایت بر همین دوگانگی حقارت و تکبر،خودشیفتگی و از خود بیزاری،بردگی و سروری،آگاه شد؛وقتی که خود را در سیمای پیرمرد خنزر پنزری بازیافت،و چون نتوانست از این مغاک عظیم گذر کند،به نابود خود اقدام کرد.بدین معنا می توان گفت که صادق هدایت بانی «فلسفهٔ مرگ اندیشی» ایران مدرن است.ایرانی دو پاره که چون نمی تواند فلسفهٔ زندگی داشته باشد،مرگ اندیشی را پیشه می کند. به هر حال اگرچه صادق هدایت با خودکشی از دست تضادهایی که در جان خود داشت و بر وجدانش سنگینی می کرد،رها شد،امّا بی تردید پرسش هایی که او را تا به مرز جُنان جنونی کشانده بود، کما کان بر ما و برای ما گشوده باقی مانده است؛پرسش هایی که ناظر بر گسست های تاریخ ماست و مادامی که برای آنها پاسخی پیدا نکنیم نه تنها در وجدان شوربخت ایرانی مان مایهٔ عذاب دائمی ما باقی خواهند بود، بلکه گه گاه با ظهوراتِ اجتماعی‌ای که دارند جلوه‌ای از آن تضاد را به نمایش می گذارند؛تضادهایی که پرده‌ای از آن را همین چند صباحی قبل تر در روز بزرگداشت کوروش دیدیم. لذا باید گفت که هدایت نه تنها خودش را روایت کرد و خودش را زیست بلکه متاسفانه ما را نیز روایت کرده است؛شاید هدایت نه تنها راوی خود و نسل خودش بوده بلکه وصفِ حال چندین نسل را نیز روایت کرده اِست؛روایت سرگردانی و دَو پارگی جانی نگون بخت،وامانده میان گُسلی عمیق که از پس هزاره‌ای هنوز گشوده باقی مانده است.روایتِ بوف کور؛که از نابینایی بر تاریخ خود جاهل است و از همین جهل هم کورکورانه مقلّد و مفلوک باقی می ماند.